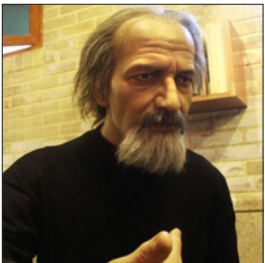


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## راوی افسانه‌های از یادرفته



سید ابوالقاسم انجوی شیرازی سال ۱۳۰۰ خورشیدی در شیراز به دنیا آمد. تحصیلاتش را در تهران تا مقطع لیسانس ادامه تحصیل داد. سال ۱۳۲۹ به سوئیس رفت و تحصیلات خود را در رشته علوم سیاسی و اجتماعی در ژنو تکمیل کرد. در جوانی فعال سیاسی بود و مجله‌ای در انتقاد و سیاسی با نام «انتشار» انتشار می داد. در جریان کودتای سال ۱۳۳۲ دستگیر و به جزیره خارک تبعید شد.

ثمره آن دوران کتابی است با عنوان «تبعیدگاه خارک» مشتمل بر خاطرات وی از دوران تبعید.

انجوی یازده جلد کتاب در زمینهٔ فرهنگ مردم ایران شامل مثل ها، قصه‌ها و آداب و رسوم انتشار داد. وی علاوه بر این در زمینه حافظ‌شناسی و موضوعات دیگر هم مقالاتی دارد. مقالات انجوی در حوزه فرهنگ بسیار متنوع است. دیوان حافظ شیرازی با تصحیح او به زعم برخی حافظ‌شناسان کامل‌ترین دیوان است زیرا وی همه گونه‌ها و روایات مربوط به اشعار حافظ را گردآوری کرده‌است. «سفینه غزل» از دیگر آثار او است که مجموعه‌ای از غزل‌های منتخب ادبیات فارسی است. «گل به صنوبر چه کرد» نیز شامل افسانه‌ها و داستان‌های کهن ایرانی، و در نوع خود اثری بی‌نظیر در باره دیوها، اژدهاها، شاهزاده‌ها و قهرمانانی با توانایی‌های فرانسسانی است. انجوی هرگز ازدواج نکرد اما دوستان زیادی داشت. وی از آخرین دوستان صادق هدایت بود و هدایت آخرین کتاب خود با نام توپ مرواری را برای نگهداری به او سپرده بود. سید ابوالقاسم انجوی شیرازی ۲۵ شهریور سال ۱۳۷۲ در تهران درگذشت. خانه وی در نیاوران جمال آباد پس از مرگش به موزه فرهنگ مردم تبدیل شد.

**خودزنی / محیط زیست**

## پلنگی که تنها گناهِش زیبایی بود

یکی از کار بران پایگاه خبری دیده‌بان محیط‌زیست و حیات وحش ایران ذیل خبری که در ادامه از نظر خواهید گذراند نوشته بود: «ای کاش به جای طاعون نشخوارکنندگان کوچک که متأسفانه در برخی نقاط شیوع پیدا کرده طاعون شکارچیان متخلف نامرد شیوع پیدا می کرد». شاید چنین آرزویی در بدو امر خشن به نظر برسد اما من هم وقتی به این فکر می‌کنم که شکارچیان جاهل حیات وحش ایران چه آسیمی به طبیعت سرزمینم می‌زنند، در دل با این آرزو همسو می‌شوم. ظاهراً جریمه‌تقدی و زندان بر روند تخریب محیط زیست و نابودی حیات وحش از سوی جاهلان تأثیری ندارد. هر روز خبری تازه در باب شکارهای غیر مجاز و درگیری محیط‌بانان ایرانی با شکارچیان متخلف منتشر می‌شود. نیروی انتظامی، قوه قضاییه و سازمان محیط‌زیست برای حفظ اندک سرمایه باقی مانده از حیات وحش ایران دست به دست هم داده‌اند اما واقعیت این است که ما تا خودمان نخواهیم و دست از جهالت برداریم، مسئولان امر نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. تا وقتی عده‌ای مال اندوزی از طریق فروش پوست حیوانات را در سر دارند، تا وقتی عده‌ای برای اثبات شجاعت خود با اسلحه گرم به شکار حیوانات زیبایی چون ببر و پلنگ می‌روند، تا وقتی عده‌ای اصرار دارند که حتماً گوشت آهو و کل و بز کوهی گوشت کنند، سازمان محیط زیست چه می‌تواند کرد؟ پایگاه خبری دیده‌بان محیط زیست نوشته بود: متأسفانه شکارچیان غیرمجاز بار دیگر با کشتار یک پلنگ ایرانی کمیاب و در معرض انقراض ضایعه دیگری را برای طبیعت کشور رقم زدند. چندی قبل گزارشی در اختیار نیروهای یگان محیط زیست شهرستان قوچان قرار گرفت مبنی بر اینکه گروهی از شکارچیان متخلف یک پلنگ را در منطقه تبارک قوچان (ارتفاعات روستای یدک) شکار کرده‌اند.

به دنبال این گزارش نیروهای یگان محیط زیست خراسان رضوی و محیط‌بانان شهرستان قوچان به تحقیق در این رابطه پرداخته و یکی از متخلفان را که قصد فروش پوست را داشت شناسایی کردند. روز دوشنبه ۲۳ شهریور ۹۴ ماموران به صورت ناشناس و به عنوان خریدار با متخلف وارد مذاکره شده و بر سر خرید پوست پلنگ به مبلغ ۲۷میلیون تومان به توافق رسیدند. محیط‌بانان برای تحویل گرفتن پوست و انجام معامله بافروشنده مربوطه در یک خانه روستایی قرار ملاقاتی را ترتیب دادند. سایر نیروها به صورت نامحسوس در اطراف خانه کمین کرده‌وس از اطمینان از وجود پوست درون منزل باافاصله وارد خانه شده و متخلفان را بازداشت کردند. از متخلفان یک تخته پوست تازه پلنگ که حداکثر ده روز قبل شکار شده بود کشف و ضبط شد. متهمان در جریان بازجویی‌ها اعتراف کردند که پلنگ را چندروز قبل، در منطقه آزاد تبارک در ارتفاعات روستای یدک شکار کرده‌اند. در این رابطه تاکنون چهار متهم شناسایی و به مراجع قضایی معرفی شده و متهم اصلی نیز تا زمان تکمیل تحقیقات روانه زندان شده است. بر اساس آخرین مصوبه شورای عالی محیط زیست در خصوص ضرر و زیان جانوران وحشی، متهمان باید مبلغ ۸۰۰میلیون ریال بابت ضرر زیان وارده محیط زیست ناشی از شکار یک پلنگ را به حساب دولت واریز کنند. فرض کنیم این متهمان جریمه تقدی را پرداخت کنند، آن پلنگ کمیاب ایرانی زنده می‌شود؟ تنبیه و جریمه و زندان حداقل مجازاتی است که می‌توان برای این متخلفان در نظر گرفت اما هیچ مجازاتی آن پلنگ زیبا و دیگر پلنگ‌های ایرانی را زنده نخواهد کرد. پلنگ‌هایی که تنها گناهشان زیبایی است.



**فارسی را پاس بداریم**

**نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر**

## نقش زنان در داستان‌های جنایی

کتاب «ادبیات سیاه» روانه بازار نشر شد

انتشارات جهان کتاب، به تازگی هفتمین عنوان از مجموعه «هنر اتوی نوشتن» خود را با نام «ادبیات سیاه» منتشر کرده است. این کتاب که مجموعه‌ای از مقالات و یادداشت‌های مرتبط با ادبیات پلیسی است، به همت یاسمن منو گردآوری و ترجمه شده است. نکته مهم این است که رمان سیاه با رمان پلیسی و معمای فرق دارد و با آن‌ها یکی نیست. امروز مخاطبان ادبیات، ژانر رمان سیاه را با سبک‌های متفاوت می‌شناسند. پایه‌گذاران و سرآمدان این سبک در آمریکا، انگلستان و فرانسه به کنار، نویسندگان برجسته‌ای از کشورهای اسکاندیناوی (سوئد، نروژ، دانمارک و ایسلند) وجود دارند که آثارشان در سطح جهانی ترجمه و منتشر می‌شود. به‌عنوان مثال نویسندگان ایتالیایی سبک خاص خود را دارند. رمان سیاه حتی در جوامع عرب‌زبان نیز جایگاهی مهم یافته است و نویسندگان مطرحی با پیروی از این سبک می‌نویسند.

قهرمانان رمان سیاه، قهرمانان مدرنیته‌اند که تنها هستند. ارش فروم می‌گوید: جامعه مدرن از آنها درست شده است. اجزای کوچکی که نسبت به یکدیگر بیگانه‌اند اما به خاطر مصلحت فردی و از روی الزام در استفاده متقابل، با هم مرتبط می‌شوند. به طور کلی کتاب «ادبیات سیاه» در پی معرفی رمان سیاه و بیان شفاف تفاوت‌های این گونه ادبی با گونه‌ای مانند رمان پلیسی و معمایی است. در ابتدای کتاب، مطلبی با عنوان «رمان سیاه» در معرفی و پیشینه این گونه ادبی نوشته شده و سپس مقالات کتاب در ج شده‌اند.

برخی عناوین مطالب و مقالات کتاب و نام نویسندگانشان به این شرح است: «انتقام رمان پلیسی -جنایی» نوشته یان پلوگستل، «رویکردی جدید به رمان و «هفت شیوه غالب در سبک پلیسی» نوشته کریستین فرنیو، «پلیسی نویسان مشهور معاصر» و «زنان پلیسی نویس» نوشته الیزابت لوگرو شاپوی، «داستان‌های پلیسی از سرزمین وایکینگ‌ها» و «دویست سالگی ادگار آلن پو» نوشته

**گردش روزگار برعکس است**



طرح: مجتبی حیدرپناه

**...کسی ما را گم کرده است/ دارد در به در دنبلمان می‌گردد/ کسی که زنگ در را/ همیشه بعد از هجرت ما/ به صدا در خواهد آورد (عباس صفاری)**

**با کاروان حله / اخبار هنر**

## پاریس میزبان عکس‌های کامران عدل



«کامران عدل» گزیده‌ای از عکس‌های ۷۰ سال گذشته‌اش را برای برگزاری یک نمایشگاه به پاریس می‌برد. این عکاس پیشکسوت در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در کشورهای دیگر، رسم است وقتی که یک هنرمند به سن پیری می‌رسد، سابقه کاری‌اش را با برگزاری یک نمایشگاه از ابتدا تا زمان حال، به‌نمایش می‌گذارد و در واقع از کارهایش گزارشی ارائه می‌کند، اما متأسفانه ایران این روند را ندارد.

به همین دلیل قصد دارم حدود ۳۰۰ عکس را از میان همه عکس‌هایی که در طول ۷۰ سال عمر کاری‌ام گرفته‌ام، در شهر پاریس فرانسه به‌نمایش بگذارم. این بسیار بد است که اینجا برای پیشکسوتان، اجازه برگزاری نمایشگاهی به‌عنوان رزومه کاری‌شان داده نمی‌شود. عدل درباره این نمایشگاه توضیح داد: من از هر سری، یک عکس را در سباز ۳۰در۴۵ سانتی‌متر در قالب یک دفترچه به شهرداری پاریس ارائه می‌کنم تا در صورت موافقت بتوانم کارهایم را آنجا نمایش دهم. وی برگزاری این نمایشگاه در پاریس را اولویت کاری‌اش دانست و گفت: سال گذشته به من اعلام کردند که در سه‌سال آینده می‌توانم نمایشگاهم را برگزار کنم. من نیز از ماه مارس تا کنون برای پیگیری کارهایم با شهرداری پاریس در ارتباط هستم. کامران عدل متولد سال ۱۳۲۰ در تهران است. او که در ایران و فرانسه تحصیل کرده و از هنرستان عکاسی پاریس فارغ‌التحصیل شده عکاس پروژه «کتاب تهران» به پیشنهاد «پرنارد هورکاد» در سال ۱۳۶۴ بود. از او به‌عنوان عکاس ژانر عکاسی معماری و بناها یاد می‌شود.



کمپ آوارگان در نزدیکی اربیل زندگی می‌کنند. این عکس در سپتامبر سال ۲۰۱۴ به دست ایوور بریکت در شمال عراق گرفته شده است. او در توضیح کار خود گفته است: «من امیره و خانواده‌اش را در یک چادر در کمپ آوارگانی در نزدیکی اربیل ملاقات کردم. آن‌ها پس از اشغال موصل به دست نیروهای داعش مجبور به ترک روستای محل زندگی خود شده بودند. من مدت زمانی را به گفت‌وگو با این خانواده گذراندم تا اینکه آن‌ها با من احساس راحتی بیشتری کرده و احساسات و لحظات دشوار خود را برای من شرح دادند. این عکس شاهد لحظه زیبایی از این خانواده در میان دشواری‌های زندگی در شرایط آوارگی است.» نمایشگاه جایزه عکاسی پرتزه تیلبور و سینگم سال ۲۰۱۵ از ۱۲ تا ۱۲ نوامبر ۲۱ فوریه علاوه بر چهار عکس برگزیده نهایی، عکس‌هایی دیده‌نشده از عکاس مشهور اهل آفریقای جنوبی پیتر هوگو را به نمایش خواهد گذاشت. در سال‌های اخیر جنگ‌زدگان و آوارگان و پناهجویان جنگی سوزهای داغ برای عکاسی شده‌اند و عکاسی از آن‌ها معمولاً سبب بهتر دیده شدن نام و اثر عکاس می‌شود.

اندوه تولدشاد کند هر جان را  
کفر تو دهد تا زگی ای ایمان را  
دل راحت وصل تو مبیناد دمی  
باز درد تو غم طلب کند در مان را  
(بابا افضل کاشانی، قرن ششم، رباعیات)

## سوت پایان



فیلیپ سولرز، «تقدیر نویسندگان از ژرژ سیمون» نوشته ژروم دویوی، گفت‌وگو یا جیمز الروی، «شخصیت‌های زن در رمان‌های پلیسی-جنایی» و…

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم: «هانس برتس در کتاب رمان‌های جنایی معاصر آمریکای نویسد زنان نویسنده آمریکایی از دهه ۱۹۵۰ در این عرصه حضور داشتند ولی به اندازه کافی مقبول نبودند. «تنها در سال‌های اول دهه ۱۹۸۰ است که زنان در داستان‌های جنایی جایگاه شایسته خود را پیدا می‌کنند. امروز زنان نویسنده در تمامی زیر مجموعه‌های منتشرشده در سبک جنایی-پلیسی جایگاه مهمی را اشغال می‌کنند و در واقع زیرمجموعه‌های جدیدی نیز به آن اضافه کرده‌اند.»

یکی از نمونه‌های بارز آن پاتریسیا کرنول و سبک رمان‌های «پزشکی قانونی» است که او خلق کرده و

امروز خدیک سبک کامل است و نویسندگان دیگری همچون تس جریستان یا کنی ریش در این سبک قلم می‌زنند. موفقیت کنونی زنان نویسنده رمان‌های پلیسی-جنایی باعث انتشار مقالات متعدد در مطبوعات شده است. اما به این حوزه خاص اغلب با کلیشه‌های قدیمی برخورد می‌شود. عبارات «ملکه‌های جنایت» یا «بانوان رمان پلیسی» به طرز دلسر‌کننده‌ای مرتب تکرار می‌شوند. این پندارهای قالبی در رشته مقاله‌نی منکس می‌شوند که در آن‌ها تعداد زیادی از زنان نویسنده به طور گروهی زیر عنوانی مشترک طبقه‌بندی می‌شوند اما ناظران باریک‌بینی چون میشل ایسکت نشان می‌دهند که این عناوین تا چه حد «ساده‌انگارانه و مبهم است».